

بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی و تعارضات زناشویی در بین زوجین شهر قم

راضیه میرعلی ملک^۱

جواد حبیبی تبار^۲

محمد رضا سالاری فر^۳

ابوالقاسم بشیری^۴

مرتضی مجاهدی^۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه عوامل شخصیتی و تعارضات زناشویی در بین زوجین شهر قم با روش پیمایشی انجام شده است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه تعداد ۳۸۴ نفر از بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق، با بهره‌مندی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای- تصادفی و استفاده از تکنیک گلوله‌برفی جهت بررسی انتخاب شده‌اند.

در این فرایند هر یک از آزمودنی‌ها دو پرسشنامه شخصیت‌شناسی کوتاه (NEO) و تعارضات زناشویی (پ ت ز - ت) را تکمیل نموده و داده‌ها با نرم‌افزارهای DE (ورود اطلاعات) و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس برای بخش استنباطی از آزمون‌های تحلیل واریانس یک طرفه (آنووا) و رگرسیون ترتیبی ساده استفاده شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل شخصیتی در سه گروه سازگار، ناسازگار و در حال طلاق با یکدیگر متفاوت است و در گروه در حال طلاق و سپس گروه ناسازگار و در آخر گروه سازگار نیز تعارضات از بیشتر به کمتر می‌باشد. در خصوص عوامل شخصیتی نیز نتایج بیانگر آن است که میزان آزرده‌خویی، گشودگی و موافق بودن در زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق با هم تفاوت دارد؛ ولی میزان برون‌گرایی و با وجدان بودن در سه دسته مذکور با یکدیگر فرقی نمی‌کند و همچنین بین ابعاد تعارضات زناشویی با عوامل روان آزرده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن، در برخی از ابعاد رابطه همبستگی و معنادار آماری وجود داشته و در برخی از ابعاد این رابطه وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: رابطه، شخصیت، تعارضات زناشویی، زوجین، شهر قم

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب قم، دانش‌آموخته حوزه
rmiralimalek@gmail.com

۲. دانش‌یار جامعه‌المصطفی‌العالمیه (عج) prof.javadhabibitabar@yahoo.com

۳. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه Msalarifar@rihu.ac.ir

۴. استادیار موسسه عالی آموزشی امام خمینی (عج) bashiri@qabas.net

۵. استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بابل mortazamojahedy@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۸

بیان مسئله

نهاد خانواده همواره از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود و سلامت و تحکیم آن نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر جامعه تأثیر می‌گذارد؛ به همین دلیل جامعه‌شناسان، روانشناسان و حقوق‌دانان به جایگاه خانواده توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند (رک. سالاری فر، ۱۳۹۳). اما با این همه، امروزه آمار طلاق و اختلافات خانوادگی در حال افزایش است؛ به گونه‌ای که بر طبق آمار رسمی در ایران از هر ۱۰۰۰ ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می‌شود و این کشور جز چهارمین کشورهای جهان از نظر نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (نبوی حصار و احمدی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۲-۴۲۴)؛ به همین دلیل، پژوهشگران توجه ویژه‌ای به راه‌های ایجاد تحکیم خانواده و تثبیت سلامت روانی افراد جامعه داشته‌اند و در این باره نظریه‌های جدیدی نیز ارائه کرده‌اند (بستان، ۱۳۹۳، ص ۷-۹).

به طور کلی، عوامل گوناگونی بر اختلافات زناشویی تأثیر می‌گذارد که از جمله این عوامل عدم شناخت‌های فردی از ابعاد شخصیتی طرفین است. در این بین، شناخت شخصیت افراد با توجه به فرایند تأثیرگذاری آن بر کنش‌های فردی ضرورت بسیاری دارد؛ از این رو، لازم است که افراد از روحیات و شخصیت‌های مؤثر بر کنش‌های یکدیگر به صورت دقیق و کافی اطلاعاتی را به دست آورند تا فرایند زندگی مشترک را به صورت آگاهانه طی نموده و از رضایت زناشویی که از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده است، نیز برخوردار شوند.

براین اساس و با توجه به نیاز پژوهشی در امر عوامل شخصیتی و تعارضات زناشویی، گرچه تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته است؛ اما جنبه نوآوری این پژوهش نسبت به تحقیقات دیگر، دسته‌بندی سه گروه سازگار، ناسازگار و در حال طلاق و مقایسه شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی آنان نسبت به یکدیگر است.

بنابراین، در پژوهش حاضر به دنبال کشف رابطه‌های مؤلفه‌های شخصیتی اعم از آزردده‌خویی و برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن با ابعاد تعارضات زناشویی و به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها خواهیم بود که رابطه عامل‌های شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی در بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق با یکدیگر چگونه است؟ و در صورت وجود رابطه معنادار در بین عوامل شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی در سه گروه مذکور، چگونه می‌توان این روابط را ترسیم کرد؟

به نظر می‌رسد که میزان عوامل شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی در سه گروه سازگار، ناسازگار و در حال طلاق با یکدیگر متفاوت بوده و تعارضات در گروه در حال طلاق و سپس گروه ناسازگار و پس از آن گروه سازگار به ترتیب از بیشتر به کمتر خواهد بود و بین عوامل شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی در سه گروه مذکور در برخی از موارد رابطه معنادار وجود دارد و در پاره‌ای از موارد این رابطه وجود نخواهد داشت.

پیشینه تحقیق

در تحقیقات صورت گرفته در این باره برخی از بررسی‌ها وجود تشابهات شخصیتی (پنج عامل شخصیتی) را باعث رضایتمندی زناشویی می‌دانند. در این دسته از تحقیقات رویکرد مشابهت‌یابی و تأثیر آن بر رضایت زناشویی قابل توجه است. در پژوهشی، مکمل بودن و تفاوت‌های شخصیتی، عامل رضایتمندی زوجین تلقی شده است (محمدزاده ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۶). نتایج نشانگر وجود تفاوت معنادار بین ابعاد شخصیتی در زن و مرد به منزله مکمل بودن و عدم تفاوت معنادار به منزله مشابه بودن است و در نهایت، عامل روان‌آزرده‌خویی به عنوان مکمل و چهار عامل دیگر به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شده است. همچنین شباهت زوجین در متغیرهای شخصیتی، به ویژه سازگاری با رضایت زناشویی همراه بود (همان).

یافته‌های مطالعه دیگری نشانگر ارتباط‌های قابل توجهی بین ابعاد و عوامل شخصیتی و روابط زناشویی است. برای مثال، در تحقیقی که بین ۲۰۰ زوج نسبت به بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی با رضایت زناشویی انجام شد، بین رضایت زناشویی با عوامل وظیفه‌شناسی و مقبولیت، همبستگی مثبت و با نورزگرایی، همبستگی منفی وجود دارد؛ از این رو، این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که در رضایت زناشویی، به دو عامل وظیفه‌شناسی و نورزگرایی توجه بیشتری شود (رازی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۷۸).

در پژوهشی دیگر، هر چند دو بعد توافقی و با وجدان بودن، نقش مثبتی بر رابطه زناشویی دارد؛ اما در این ابعاد اثر مشاهده شده به لحاظ آماری معنادار نبوده؛ اما سه بعد دیگر بر رضایت زناشویی اثرگذار بوده است (جهرمی جنتی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳).

یافته‌های تحقیقی که درباره ارتباط روان‌آزرده‌خویی با رضایت زناشویی است، نشان می‌دهد که روان‌رنجورخویی با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد (احدی و اسکندری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). همچنین

نتایج پژوهشی که درباره عوامل شخصیتی و رضایت زناشویی است، نشان دهنده ارتباط رضایت زناشویی با عواملی مانند برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و توافق و گشودگی است (هاشمی و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶؛ عارفی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۵۵۱).

اما در تحقیق حاضر که از طریق دو آزمون نئو کوتاه ((NEO-۶۰ سؤالی و تعارضات زناشویی ۵۴ سؤالی (پ ت ز - ت) MCQ-R (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱)، ابعاد شخصیتی و رابطه آن با تعارضات زناشویی بررسی شده است، به دنبال کشف رابطه یا عدم آن بر هر یک از عوامل شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی خواهیم بود.

۱. شخصیت در لغت و اصطلاح

شخصیت^۱ در لغت به معنای مجموعه عوامل باطنی و مجموعه نفسانیات یک فرد است (عمید، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۰۳۲؛ فیست و فیست، ۱۳۹۵، ص ۲۵۰). برای واژه شخصیت، معانی گوناگونی به کار رفته است (ساعتچی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶). برخی از روان‌شناسان در مفاهیم کاربردی واژه شخصیت با یکدیگر تفاوت دارند. در این راستا، آلپورت ۵۰ تعریف برای شخصیت مطرح می‌کند. تحلیل آلپورت منطبق با تاریخ مفهوم شخصیت است که با اصطلاح همان نقاب آغاز شده است (لانیون و گوداشتاین، ۱۳۸۵، ص ۴۸). این واژه به معنای ماسک نمایشی و یا نقابی است که هنر پیشه‌های رومی در موقع نمایش بر چهره می‌گذاشتند؛ در واقع، شخصیت (نقاب) به ظاهر بیرونی و قابل رؤیت افراد اشاره دارد که از جنبه‌هایی تأثیرگذار بر دیگران و قابل مشاهده تشکیل شده است (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷، ص ۱۰). به طور کلی، نظریه پردازان، با یک تعریف واحد از شخصیت موافق نیستند و هر یک شخصیت را از دید خود می‌بینند. با همه این تفاوت‌ها می‌توان گفت شخصیت عبارت است از: «الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها، یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد» (فیست و فیست، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

به تعبیر دیگر، محققان علم روانشناسی معتقدند که شخصیت، مجموعه پویا و سازمان یافته‌ای از خصوصیات فردی است که بر شناخت، افکار، کنش‌ها و انگیزه‌های درونی فرد در وضعیت‌های گوناگون تأثیرگذار است (رایکمن، ۱۳۸۷، ص ۵).

1 . Personality

۱-۱. نظریه پنج عامل شخصیتی

نظریه پنج عاملی شخصیت که به پنج عامل بزرگ^۱ معروف است، توسط دو روانشناس معروف ساکن ایالات متحده به نام‌های کاستا^۲ و مک کرا^۳ مطرح شد. در این نظریه، به پنج بعد اساسی درباره شخصیت پرداخته می‌شود که هر کدام در برگیرنده تعدادی از صفات خاص است و مجموع آن صفات، مدل مذکور را تشکیل می‌دهد.

عوامل پنج‌گانه شخصیتی، اساسی‌ترین و جامع‌ترین ابعاد شخصیت را ارائه می‌کند. این عوامل، شخصیت افراد را از جهات گوناگون تبیین و هریک از عوامل را به وسیله گروهی از صفات مرتبط با یکدیگر تعریف می‌نماید. به بیان دیگر، با این عوامل می‌توان شرح جامعی از وضعیت عاطفی، اجتماعی، تجربی، نگرشی و انگیزشی افراد ارائه کرد (شاهنده، ۱۳۸۷، ص ۹۹). این پنج عامل اصلی یا بزرگ شخصیتی عبارت است از (حق شناس، ۱۳۹۳، ص ۹؛ بشیری، ۱۳۹۶، ص ۴۴۶-۴۴۹):

۱-۱-۱. عامل اول: روان‌آزرده‌خویی (N)

بعد روان‌آزرده‌خویی، افراد را مطابق با ثبات هیجانی و سازگاری شخصی در یک پیوست ممتد قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که افرادی که به کزات آشفتگی هیجانی و نوسانات در هیجان را تجربه می‌نمایند، در آزرده‌خویی نمره بالایی را کسب می‌کنند. این افراد مستعد حالت هیجانی منفی هستند و از هیجانات منفی‌ای مانند ناراحتی، خشم، اضطراب و گناه که از عوامل تنش‌زا محسوب می‌شود، بیشتر آشفته می‌شوند؛ اما برعکس، افرادی که در این عامل نمره پایینی به دست می‌آورند، افرادی سازگار و آرام هستند که نسبت به واکنش‌های هیجانی شدید غیر مستعدند (بشیری، ۱۳۹۶، ص ۴۴۷). به تعبیر دیگر، روان‌رنجوری عاملی است که افراد با نمرات بالا در این باره دچار عواطف غیر منطقی و کم‌توانی در مهار رفتارهای تکانشی هستند (آتش‌افروز و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۶۷-۳۷۶).

۱-۱-۲. عامل دوم: برون‌گرایی^۵

بعد شخصیتی دوم، برون‌گرایی است. این بعد نیز به صورت پیوستار قرار دارد. برون‌گرایان

1 . Big five

2 . Costa

3 . McCrae

4 . Neuroticism

5. Extraversion

افراد اجتماعی، پارانرژی، خوش بین، مهربان و با اعتماد بنفس بالا هستند. این افراد دوستان زیادی دارند؛ اما افراد درون گرا کاملاً برعکس برون گرایان هستند. البته برخی درباره عطوفت در آن‌ها معتقدند که آن‌ها مهربان‌اند؛ اما تودارند و نیز مستقل هستند و تنبل نیستند.

۳-۱-۱. عامل سوم: گشودگی (O)^۱

بعد گشودگی به گشوده بودن نسبت به تجربه می‌پردازد و به معنای گشودگی در حس بین شخصی نیست؛ از ویژگی‌های این بعد می‌توان به تخیل فعال، میل به پرداختن به ایده‌های جدید، تفکر واگرا، کنجکاوی عقلانی اشاره کرد؛ کسانی که در این بعد نمره بالایی کسب می‌کنند، متفکرانی نامتعارف و مستقل هستند و افرادی که نمرات پایین در این دسته به دست می‌آورند، امور آشنا را به امور جدید ترجیح می‌دهند.

۴-۱-۱. عامل چهارم: توافق (A)^۲

افراد موافق را می‌توان با ویژگی‌هایی مانند دلسوزی، خلاقیت، مبتکر، هنرمند، خدمتگزار و خوش بین شناخت؛ اما در مقابل افرادی که از گشودگی کمتری برخوردارند، شکاک، ستیزه جو و متمایل به جنگیدن هستند؛ افراد موافق از تعامل اجتماعی بالاتری برخوردارند و کمک به نیازمندان را دوست دارند.

۵-۱-۱. عامل پنجم: وجدانی بودن (C)^۳

با وجدان بودن به چگونگی منظم بودن شخص و خود کنترلی او اشاره دارد. افرادی که در این بعد در سطح بالایی قرار دارند، منظم، بابرنامه و قاطع هستند و در مقابل، افرادی که نمرات پایین در این مرحله کسب می‌کنند، افرادی بی دقت و غیر قابل اعتمادند و به آسانی از انجام دادن وظایف پریشان می‌شوند.

تحقیقات نشان می‌دهد که پنج عامل شخصیتی در طول زمان نیز به نسبت ثابت هستند و به طور خلاصه، یافته‌های پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهد که بسیاری از رگه‌هایی که شخصیت ما را تشکیل می‌دهد، می‌تواند در قالب این پنج عامل شخصیتی سازمان یابد (بشیری، ۱۳۹۶، ص ۴۴۵-۴۴۶). در ادامه به جدول پنج عامل شخصیتی و خصوصیات آن اشاره می‌شود:

1. Openness to experience
2. Agreeableness
3. Conscientiousness

جدول شماره ۱: جدول پنج عامل شخصیتی

ردیف	عامل	ویژگی‌ها
۱	روان آزاده خویی	نگران در مقابل آرام نامطمئن در مقابل مطمئن دلسوزی نسبت به خود در مقابل رضایت از خود
۲	برون‌گرایی	اجتماعی در مقابل کم‌رو خوش‌گذران در مقابل خشک و جدی بامحبت در مقابل تودار
۳	گشودگی	دارای تخیل قوی در مقابل واقع‌بین ترجیح تنوع در مقابل ترجیح روال یک‌نواخت مستقل در مقابل موافق
۴	موافق بودن	دل‌رحم در مقابل بی‌رحم خوش‌بین در مقابل بدبین سودمند در مقابل فاقد روحیه همکاری
۵	با وجدان بودن	منظم در مقابل نامنظم بادقت در مقابل بی‌دقت خوب‌ستندار در مقابل بی‌اراده

۲. روش، ابزار و جامعه هدف پژوهش

۲-۱. روش پژوهش و شیوه اجرا

تحقیق حاضر از نظر ماهیت داده‌ها کمی، از لحاظ هدف پژوهش، تحقیقی راهبردی و از نظر روشی توصیفی-پیمایشی است. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش، از روش میدانی (پیمایشی) و کتابخانه‌ای استفاده شده است و روش پیمایشی به وسیله دو پرسشنامه صورت گرفته است.

در این پژوهش برای انتخاب آزمودنی‌ها، از نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی و گلوله برفی استفاده شد (نادری فرو دیگران، ۱۳۹۶). پرسشنامه‌ها نیز به صورت دستی در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. برای بخش توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی و نمودار و نیز از شاخص‌های گرایش به مرکزی و گرایش به پراکندگی بهره برده شد و برای بخش استنباطی نیز از آزمون‌های تحلیل واریانس یک طرفه (آنووا) و رگرسیون ترتیبی ساده استفاده شد.

۲-۲. ابزار پژوهش

برای اجرای پژوهش از دو پرسشنامه کوتاه (NEO) (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۵، ص ۵۱) و پرسشنامه تعارضات زناشویی ۵۴ سؤالی (پ ت ز - ت) MCQ-R (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱) استفاده شده است که در ادامه به روایی و پایایی آن‌ها اشاره می‌شود. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم افزارهای DE (ورود اطلاعات) و نرم افزار Spss (تجزیه و تحلیل) استفاده شد.

۲-۲-۱. پرسشنامه تعارضات زناشویی ۵۴ سؤالی (پ ت ز - ت) MCQ-R

«پرسشنامه تعارضات زناشویی» که یک ابزار ۵۴ سؤالی است، برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهر و بر مبنای تجربیات بالینی باقر ثنائی، طاهره براتی و علیرضا بوستانی پور تنظیم شده است. همچنین در فرم تجدیدنظر شده از نظرات مشاوران آماری، آقایان علیرضا کیامنش و علی محمد نظری بهره‌مند شدیم.

در این پرسشنامه، هشت بعد از تعارضات زناشویی سنجیده می‌شود که عبارت است از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. مشاوران و سایر متخصصان بالینی می‌توانند از این پرسشنامه برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری و دیگر ابعاد آن بهره‌برداری نمایند (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

۲-۲-۱-۱. اعتبار و روایی پرسشنامه (پ ت ز - ت) MCQ-R

پرسشنامه تجدیدنظر شده تعارضات زناشویی در تحقیقات زیادی به کار رفته و اعتبار آن با اجرا روی یک گروه ۲۷۰ نفری بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۶ محاسبه شده است. آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹ است. بنابراین، این پرسشنامه، روایی محتوایی خوبی دارد. در مرحله تحلیل محتوایی آزمون با اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به علت همبستگی مناسب بین تمام سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

۲-۲-۱-۲. نمره‌گذاری پرسشنامه (پ ت ز - ت) MCQ-R

در این پرسشنامه، کسانی که نمره خام آن‌ها در گستره ۷۹ تا ۱۴۹ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۴۰ تا ۶۰) دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و نیز افرادی که نمره خام آن‌ها در گستره ۱۵۰ تا ۱۸۶ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۶۰ تا ۷۰) دارای تعارض بیش از حد بهنجار و نمره خام ۱۸۷ و بالاتر (یعنی معادل نمره استاندارد T بالاتر از ۷۰) دارای تعارض شدید و یا روابط شدیداً آسیب‌پذیر هستند (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

۲-۲-۲. پرسشنامه شخصیتی کوتاه (NEO-FFI-۶۰)

پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO)، نوعی پرسشنامه خودسنجی است که مبتنی بر یک الگوی معروف شخصیتی به نام مدل پنج عاملی توسط کوستا و مک کرا' تنظیم شده است. این مدل، چهار دهه پیشینه تحول داشته است؛ کوستا و مک کرا در سه مرحله ساخت و تجدیدنظرآزمون، پرسشنامه‌ای را تنظیم کرده‌اند که به پرسشنامه تجدیدنظر شده شهرت دارد که پنج عامل اصلی در شخصیت با آن سنجش می‌شود (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

با توجه به پیچیدگی و طولانی بودن پرسشنامه NEO-PI-R و وجود ابعاد مهم در هر پنج عامل به ابزارهای کوتاه‌تری برای رسیدن به اهداف شناختی پرسشنامه مذکور نیاز بود؛ از این رو، نسخه کوتاهی از آن با عنوان «پرسشنامه پنج عاملی» (NEO-FFI-۶۰) طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۶۰ سؤال است که بر اساس تحلیل عاملی نمرات NEO-PI که در سال ۱۹۸۶ اجرا شده بود، به دست آمده است. در این تست‌ها، نمرات از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است.

۲-۲-۲-۱. اعتبار و روایی (NEO-FFI)

نتایج چندین مطالعه بیانگر آن است که زیر مقیاس‌های این پرسشنامه همسانی خوبی دارد. کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) و ۰/۸۶ (برای روان آزاده‌خویی) گزارش کرده‌اند و در نتایج مطالعات مورادیان و نزلک (۱۹۹۵) نیز آلفای کرونباخ پنج عامل شخصیتی، روان آزاده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن به ترتیب عبارت از ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳ بوده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

1 . P. T. Costa & R. R. McCrae

2 . NEO-Five Factor Inventory

این پرسشنامه در ایران نیز توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است و اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه برای عوامل C-A-O-E-N به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ به دست آمده است. همچنین در تحقیق ملازاده (۱۳۸۱) ضرایب اعتبار آزمون - مجدد در فاصله ۳۷ روز در مورد ۷۶ نفر از فرزندان شاهد به ترتیب برای عوامل روان آزردہ خویی، برون گرایی، گشودگی، موافق بودن، با وجدان بودن به ترتیب از ۰/۸۳، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۷۹، ۰/۸۵ است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۵۱-۵۲).

۲-۲-۲-۲. نمره گذاری فرم کوتاه (NEO-FFI)

این مقیاس دارای ۶۰ سؤال بوده و در هر سؤال آزمودنی نمره صفر تا چهار را به دست خواهد آورد؛ هر یک از پرسش ها نشان دهنده یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت N روان آزردہ خویی، E برون گرایی، O گشودگی، A موافق بودن و C با وجدان بودن است و هر یک از عوامل دوازده سؤال مقیاس را پوشش داده و در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره ای از صفر تا ۴۸ کسب می کند (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۵۲).

۲-۳. جامعه هدف پژوهش

جامعه آماری این پژوهش همه زوج های بین ۲۰ تا ۴۰ سال (زن و شوهر) ساکن در شهر قم هستند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد خانوار ساکن شهر قم برابر با ۳۱۹ هزار و ۶۵۳ خانوار بوده است که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه با احتمال ۵ درصد خطا برابر با ۳۸۴ نفر (۱۹۲ زوج) است.

در افراد گروه سازگار حداکثر دو سال از زندگی مشترکشان گذشته و در بین افراد گروه ناسازگار یا در حین طلاق نیز حداقل ۵ سال از زندگی مشترکشان سپری شده بود. دلیل این تقسیم بندی، بالا بودن آمار طلاق در سال اول زندگی بوده است؛ از این رو، افراد ناسازگار و در حین طلاق حداکثر ۵ سال از زندگی مشترکشان سپری شده است تا به نتایج دقیق تری در پژوهش دست یابیم و افراد سازگار نیز با توجه به اینکه دو سال اول زندگی را سپری کرده بودند، نسبت به زندگی سازگار آن ها تقریباً اطمینان نسبی ایجاد شده بود.

البته منظور از زوجین سازگار، زوجینی هستند که تاکنون به مراکز مشاوره مراجعه ننموده و برای طلاق نیز اقدام نکرده بودند و ظاهراً با یکدیگر تفاهم داشته اند و منظور از زوجین ناسازگار نیز

زوجینی بودند که به مراکز مشاوره مراجعه نموده و دچار تعارضات زناشویی بودند و زوجین در حال طلاق نیز زوجینی بودند که دچار تعارض شده و به علت‌هایی مانند علل جسمی برای جدایی اقدام ننموده بودند؛ بلکه تعارضات زناشویی و عدم تفاهم باعث جدایی آنان شده بود.

۱-۳-۲. فراوانی زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق

از مجموع ۳۸۴ نفر جامعه آماری، ۱۳۰ نفر (حدود ۳۴ درصد) از زوجین سازگارند، ۱۳۲ نفر (حدود ۳۲ درصد) زوجینی هستند که برای مشاوره به مرکز مشاوره مراجعه کرده‌اند و به عنوان ناسازگار در این پژوهش شناخته می‌شوند و در نهایت، ۱۲۲ نفر از زوجین نیز در حال طلاق هستند. در کل تعداد زوجین نمونه آماری تقریباً به یک میزان است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس دسته‌بندی زوجین

دسته‌بندی زوجین	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
سازگار	۱۳۰	۳۳/۹	۳۳/۹
ناسازگار	۱۳۲	۳۴/۴	۶۸/۲
در حین طلاق	۱۲۲	۳۱/۸	٪۱۰۰
جمع	۳۸۴	٪۱۰۰	

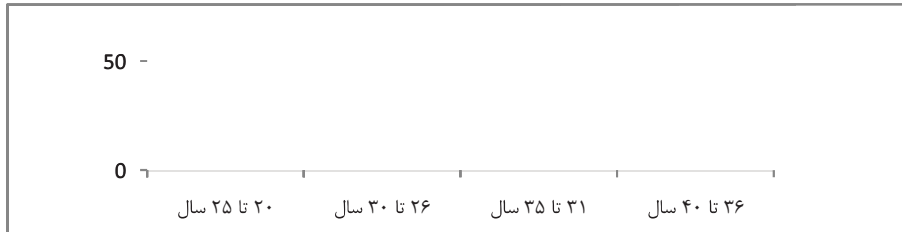
۲-۳-۲. فراوانی جنسیت

نیمی از پاسخگویان، مرد به تعداد ۱۹۲ نفر و نیمی دیگر، زن به تعداد ۱۹۲ نفر بودند؛ از این رو، تعداد پاسخگویان زن و مرد یکسان بود.

۳-۳-۲. میانگین سنی پاسخگویان

مطابق با نمودار شماره ۱، میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۱ سال بوده است؛ بنابراین، سن حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان ۳۱ سال و کمتر و حدود نیمی دیگر ۳۱ سال و بالاتر بوده‌اند (میانگین) و بیشترین فراوانی سنی در ۳۲ سالگی مشاهده شده است. انحراف استاندارد برابر ۵/۱۲ شده که نشان می‌دهد سن بیشتر پاسخگویان بین حدود ۲۶ تا حدود ۳۷ سال پراکنده شده است (۳۱/۲۷ $\pm$ ۵/۳۱) و جوان‌ترین پاسخگو ۲۰ ساله و مسن‌ترین پاسخگو در نمونه آماری ۴۰ ساله بوده است.

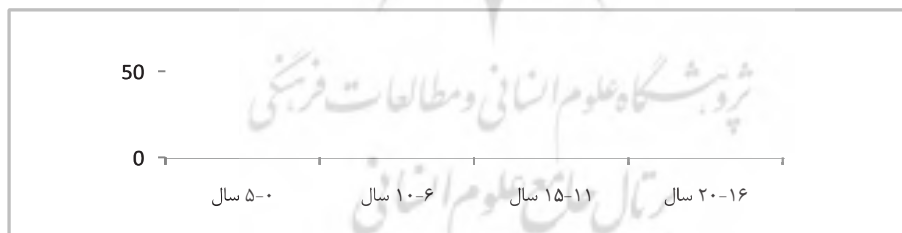
نمودار شماره ۱: گروه‌بندی سنی پاسخگویان



۲-۳-۴. فراوانی تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین

میانگین تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین نمونه آماری، حدود ۸ سال بوده است. البته نیمی از پاسخگویان، ۷ سال و کمتر و نیمی دیگر، ۷ سال و بیشتر زندگی زناشویی را تجربه کرده بودند. در این میان، بیشترین تکرار ۶ سال زندگی مشترک بوده است. بیشتر سال‌های زندگی مشترک بین حدود ۳/۵ تا ۱۲/۵ سال پراکنده است و کمترین میزان زندگی مشترک، دو سال و بیشترین متعلق به ۲۰ سال بوده است.

نمودار شماره ۲: گروه‌بندی سال‌های زندگی مشترک زوجین



۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به فرضیه‌های پژوهش به نظر می‌رسد که در بین سه دسته از گروه‌های سازگار، ناسازگار و در حال طلاق، میزان تعارضات متفاوت باشد. در ادامه، این مسئله به صورت دقیق بررسی و تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۱-۳. مقایسه پنج عامل شخصیتی در بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق

جدول شماره ۳: نتایج آنالیز واریانس عامل‌های شخصیت در بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق

عامل	عوامل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	آلفا (P)
روان آزرده خویی	بین گروه‌ها	۸۴۸/۱۱	۲	۴۲۴/۰۵	۸/۳۲	۰/۰۰۰
	داخل گروه‌ها	۱۷۴۲۰/۷۲	۳۴۲	۵۰/۹۳		
	مجموع	۱۸۲۶۸/۸۴	۳۴۴	—		
برون‌گرایی	بین گروه‌ها	۱۲۴/۴۱	۲	۶۲/۲۰۹	۲/۱۱	۰/۱۲
	داخل گروه‌ها	۱۰۱۶۳/۵۴	۳۴۶	۲۹/۳۷		
	مجموع	۱۰۲۸۷/۹۶	۳۴۸	—		
گشودگی	بین گروه‌ها	۲۵۵/۴۰۳	۲	۱۲۷/۷۰۱	۶/۰۶	۰/۰۰۳
	داخل گروه‌ها	۷۲۴۰/۱۸	۳۴۴	۲۱/۰۴		
	مجموع	۷۴۹۵/۵۸	۳۴۶	—		
موافق بودن	بین گروه‌ها	۱۲۷۷/۱۹	۲	۶۳۸/۵۹	۱۸/۷۰۶	۰/۰۰۰
	داخل گروه‌ها	۱۱۸۱۱/۹۵	۳۴۶	۳۴/۱۳		
	مجموع	۱۳۰۸۹/۱۴	۳۴۸	—		
با وجدان بودن	بین گروه‌ها	۳۱۵/۵۳	۲	۱۵۷/۷۶	۳/۰۳	۰/۰۰۵
	داخل گروه‌ها	۱۷۸۵۲/۵۷	۳۴۳	۵۲/۰۴		
	مجموع	۱۸۱۶۸/۱۱	۳۴۵	—		

بر اساس نتایج جدول شماره ۳، مقدار سطح معناداری در عامل‌های روان‌آزده‌خویی، گشودگی و موافق بودن کمتر از ۵ درصد خطاست؛ ولی مقدار آلفا در عامل‌های برون‌گرایی بیشتر از ۵ درصد خطا و در عامل با وجدان بودن برابر با ۵ درصد خطا است. در نتیجه، میزان آزرده‌خویی، گشودگی و موافق بودن در زوجین سازگار، ناسازگار و طلاق با هم فرق می‌کند؛ ولی میزان برون‌گرایی و با وجدان بودن در بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق با هم فرقی نمی‌کند.

۱-۳. عامل روان آزرده‌خویی بر اساس زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

جدول شماره ۴: نتایج آزمون توکی درباره عامل روان آزرده‌خویی بر اساس زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

نوع	طبقات	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	سطح معناداری (Sig)
سازگار	ناسازگار	-۲/۶۷	۰/۹۴	۰/۰۱
	در حین طلاق	-۳/۶۹	۰/۹۳	۰/۰۰۰
ناسازگار	سازگار	۲/۶۷	۰/۹۴	۰/۰۱
	در حین طلاق	-۱/۰۲	۰/۹۴	۰/۵۲
در حین طلاق	سازگار	۳/۶۹	۰/۹۳	۰/۰۰۰
	ناسازگار	۱/۰۲	۰/۹۴	۰/۵۲

بر مبنای نتایج جدول شماره ۴، مقدار سطح معناداری در میانگین‌های جفتی زوجین سازگار با ناسازگار و در حین طلاق، کمتر از ۵ درصد خطاست؛ ولی در میانگین‌های جفتی زوجین ناسازگار با زوجین در حین طلاق بیشتر از ۵ درصد خطاست. به عبارت بهتر، زوجین سازگار با زوجین ناسازگار و در حین طلاق از نظر میزان روان آزرده‌خویی با هم فرق می‌کنند. از طرفی، میزان روان آزرده‌خویی در زوجین ناسازگار با همسران در حین طلاق یکسان است.

جدول شماره ۵: رتبه‌بندی میانگین گروه‌ها بر اساس عامل روان آزرده‌خویی

نوع	فراوانی	زیرگروه‌ها بر اساس $\alpha = 0.05$
		۱ ۲
سازگار	۱۱۸	۳۳/۱۷
ناسازگار	۱۱۲	۳۵/۸۴
در حین طلاق	۱۱۵	۳۶/۸۶

مطابق با نتایج جدول شماره ۵، میانگین روان آزرده‌خویی در دو دسته قرار گرفته است: در دسته اول، زوجین سازگار با میانگین ۳۳/۱۷ جای دارد و در دسته دوم، زوجین ناسازگار با میانگین ۳۵/۸۴ و زوجین در حین طلاق با میانگین ۳۶/۸۶ در دسته سوم قرار می‌گیرد. در نتیجه، روان آزرده‌خویی در زوجین سازگار کمتر از زوجین ناسازگار و در حین طلاق است و در زوجین در حین طلاق نیز بیشتر از سایر زوجین این مورد مشاهده می‌شود.

۲-۳. عامل گشودگی بر مبنای زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

جدول شماره ۶: نتایج آزمون توکی درباره عامل گشودگی بر اساس زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

نوع	طبقات	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	سطح معناداری (Sig)
سازگار	ناسازگار	-۰/۴۳	۰/۶۰	۰/۷۴
	در حین طلاق	۱/۵۶	۰/۶۰	۰/۰۲
ناسازگار	سازگار	۰/۴۳	۰/۶۰	۰/۷۴
	در حین طلاق	۲/۰۰۱	۰/۶۰	۰/۰۰۳
در حین طلاق	سازگار	-۱/۵۶	۰/۶۰	۰/۰۲
	ناسازگار	-۲/۰۰۱	۰/۶۰	۰/۰۰۳

بر اساس نتایج جدول شماره ۶، مقدار سطح معناداری در میانگین‌های جفتی زوجین سازگار با زوجین در حین طلاق و نیز زوجین ناسازگار با زوجین در حین طلاق کمتر از ۵ درصد خطاست؛ ولی مقدار سطح معناداری در زوجین سازگار با ناسازگار بیشتر از ۵ درصد خطا است. بنابراین، میزان گشودگی در زوجین سازگار متفاوت با زوجین در حین طلاق است. همچنین میزان گشودگی در زوجین ناسازگار با زوجین در حین طلاق با هم فرق می‌کند؛ ولی میزان گشودگی در بین زوجین سازگار با زوجین ناسازگار تفاوتی ندارد.

جدول شماره ۷: رتبه بندی میانگین گروه‌ها بر اساس عامل گشودگی

نوع	فراوانی	زیرگروه‌ها بر اساس $\alpha = ۰/۰۵$	
		۱	۲
سازگار	۱۱۵	۳۴/۷۷	
ناسازگار	۱۱۶	۳۶/۳۳	
در حین طلاق	۱۱۶	۳۶/۷۷	

بر اساس نتایج جدول شماره ۷، میزان میانگین گشودگی در بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق در دو دسته مجزا قرار می‌گیرد: دسته اول، زوجین سازگار با میانگین ۳۴/۷۷ کمترین گشودگی را داشته‌اند و در دسته دوم، زوجین ناسازگار با میانگین ۳۶/۳۳ و زوجین در حین طلاق با میانگین ۳۶/۷۷ گشودگی قرار دارند.

۳-۱-۳. عامل موافق بودن بر اساس زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

جدول شماره ۸: نتایج آزمون توکی درباره عامل موافق بودن بر حسب زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

نوع	طبقات	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	سطح معناداری (Sig)
سازگار	ناسازگار	۰/۶۰۳	۰/۷۶	۰/۷۰۹
	در حین طلاق	۴/۳۴	۰/۷۶	۰/۰۰۰
ناسازگار	سازگار	-۰/۶۰۳	۰/۷۶	۰/۷۰۹
	در حین طلاق	۳/۷۴	۰/۷۶	۰/۰۰۰
در حین طلاق	سازگار	-۴/۳۴	۰/۷۶	۰/۰۰۰
	ناسازگار	-۳/۷۴	۰/۷۶	۰/۰۰۰

بر مبنای نتایج جدول شماره ۸، مقدار سطح معناداری میانگین‌های جفتی زوجین سازگار با زوجین در حین طلاق و نیز زوجین ناسازگار با همسران در حین طلاق برابر با صفر شده است؛ ولی این مقدار در زوجین سازگار با ناسازگار بیشتر از ۵ درصد خطاست. در نتیجه، میزان موافق بودن در زوجین سازگار با زوجین در حین طلاق به یک میزان نیست و نیز این میزان در بین زوجین ناسازگار و در حین طلاق نیز به یک اندازه نیست؛ ولی میزان موافق بودن در زوجین سازگار با زوجین ناسازگار مشابه است.

جدول شماره ۹: رتبه‌بندی میانگین گروه‌ها بر اساس عامل موافق بودن

نوع	فراوانی	زیرگروه‌ها بر اساس $\alpha = 0.05$	
		۱	۲
در حین طلاق	۱۱۴	۳۸/۰۷	
ناسازگار	۱۱۷		۴۱/۸۱
سازگار	۱۱۸		۴۲/۴۱

مطابق با نتایج جدول شماره ۹، میانگین موافق بودن در دو دسته قرار می‌گیرد: دسته اول، زوجین در حین طلاق با میانگین کمتر از ۳۸/۰۷ و در دسته دوم، زوجین ناسازگار و سازگار جای دارد. گویا زوجین سازگار موافق بودن بیشتری نسبت به سایر زوجین داشته‌اند و زوجین در حین طلاق موافقت و سازگاری کمتری نسبت به زوجین دیگر دارند.

۲-۳. مقایسه تعارضات زناشویی بر اساس زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

جدول شماره ۱۰: نتایج آنالیز واریانس ابعاد و متغیر تعارضات زناشویی بر اساس زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

ابعاد	عوامل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	آلفا (P)	نتیجه
کاهش همکاری	بین گروه‌ها	۸۱۶/۶۸	۲	۴۰۸/۳۴	۳۳/۹۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۴۲۸۳/۳	۳۵۶	۱۲/۰۳			
	مجموع	۵۰۹۹/۹۸	۳۵۸	—			
کاهش رابطه جنسی	بین گروه‌ها	۶۳۹/۴۶	۲	۳۱۹/۷۳	۲۶/۴۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۴۰۱۹/۵۱	۳۳۳	۱۲/۰۷			
	مجموع	۴۶۵۸/۹۷	۳۳۵	—			
افزایش واکنش‌های هیجانی	بین گروه‌ها	۱۷۵۹/۸۱	۲	۸۷۹/۹	۳۶/۵۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۸۲۳۸/۹۳	۳۴۲	۲۴/۰۹			
	مجموع	۹۹۹۸/۷۵	۳۴۴	—			
افزایش جلب حمایت فرزند	بین گروه‌ها	۲۱۴/۷	۲	۱۰۷/۳۵	۹/۴۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۳۳۰۸/۶۶	۲۹۲	۱۱/۳۳			
	مجموع	۳۵۲۳/۳۶	۲۹۴	—			
افزایش رابطه با خویشاوندان خود	بین گروه‌ها	۱۵۵/۴۹	۲	۷۷۷/۲۴	۴۰/۹۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۶۵۴۰/۴۲	۳۴۵	۱۸/۹۵			
	مجموع	۸۰۹۴/۹۲	۳۴۷	—			
کاهش رابطه با خویشاوندان همسر	بین گروه‌ها	۱۵۵۰/۹۵	۲	۷۷۵/۴۷	۴۰/۹۲	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۶۵۷۴/۵۱	۳۴۷	۱۸/۹۴			
	مجموع	۸۱۲۵/۴۷	۳۴۹	—			
جدا کردن امور مالی	بین گروه‌ها	۹۶/۰۹	۲	۴۸/۰۴	۳/۰۵	۰/۰۴	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۵۲۳۳/۵۴	۳۳۳	۱۵/۷۱			
	مجموع	۵۳۲۹/۶۴	۳۳۵	—			
کاهش ارتباط مؤثر	بین گروه‌ها	۳۶۹/۶۹	۲	۱۸۴/۸۴	۷/۹۱	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۷۷۸۱/۵۴	۳۳۳	۲۳/۳۶			
	مجموع	۸۱۵۱/۲۳	۳۳۵	—			
تعارضات زناشویی	بین گروه‌ها	۵۲۵۹۶/۰۵	۲	۲۶۲۹۸/۰۲	۴۱/۲۰۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	داخل گروه‌ها	۲۴۱۸۷۱/۱۰۲	۳۷۹	۶۳۸/۱۸			
	مجموع	۲۹۴۴۶۷/۱۵	۳۸۱	—			

بر مبنای نتایج جدول شماره ۱۰، مقدار آلفا همه ابعاد و از جمله متغیر تعارضات زناشویی کمتر از ۵ درصد خطاست؛ یعنی میانگین کاهش همکاری و رابطه جنسی، افزایش دادن واکنش‌های

هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه با خویشاوندان خود، کاهش دادن رابطه با خویشاوندان همسر، جدایی امور مالی، کاهش دادن ارتباط مؤثر و در نهایت، تعارضات زناشویی بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حین طلاق با هم متفاوت است و زوجین در این موارد، متفاوت باهم عمل می‌کنند.

جدول شماره ۱۱: نتایج آزمون توکی بر اساس تعارضات زناشویی سازگار، ناسازگار و در حین طلاق

نوع	طبقات	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	سطح معناداری (Sig)
سازگار	ناسازگار	-۱۲/۳۷	۳/۱۳	۰/۰۰۰
	در حین طلاق	-۲۸/۸۹	۳/۱۹	۰/۰۰۰
ناسازگار	سازگار	۱۲/۳۷	۳/۱۳	۰/۰۰۰
	در حین طلاق	-۱۶/۵۲	۳/۱۷	۰/۰۰۰
در حین طلاق	سازگار	۲۸/۸۹	۳/۱۹	۰/۰۰۰
	ناسازگار	۱۶/۵۲	۳/۱۷	۰/۰۰۰

مطابق با نتایج جدول شماره ۱۱، از لحاظ کاهش دادن ارتباط مؤثر بین زوجین، دو دسته ناهمگن وجود دارد: دسته اول، زوجین سازگار با میانگین ۳۴/۶ کمترین تأثیر را در کاهش دادن ارتباطات مؤثر زناشویی دارند و در دسته دوم، زوجین سازگار با میانگین ۳۶/۶۷ و زوجین در حین طلاق با میانگین ۳۶/۹۲ قرار می‌گیرند؛ بنابراین، زوجین ناسازگار و در حین طلاق، بیشترین نقش را در کاهش دادن ارتباطات مؤثر دارند.

جدول شماره ۱۲: رتبه بندی میانگین گروه‌ها بر اساس متغیر تعارضات زناشویی

نوع	فراوانی	زیرگروه‌ها بر اساس $\alpha = 0.05$		
		۱	۲	۳
سازگار	۱۲۹	۱۱۳/۴۸		
ناسازگار	۱۳۱		۱۲۵/۸۵	
در حین طلاق	۱۲۲			۱۴۲/۳۷

مطابق با نتایج جدول شماره ۱۲، از نظر تعارضات زناشویی سه دسته ناهمگن وجود دارد: دسته

اول، زوجین سازگار با کمترین میانگین ۱۱۳/۴۸؛ دسته دوم، زوجین ناسازگار با میانگین ۱۲۵/۸۵؛ دسته سوم، زوجین در حین طلاق با میانگین ۱۴۲/۳۷. بنابراین، زوجین در حین طلاق بیشترین تعارضات زناشویی را دارند، سپس زوجین ناسازگار قرار دارد و در آخر، زوجین سازگار با کمترین میانگین تعارضات هستند.

۳-۳. بررسی رابطه همبستگی عوامل شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی

پس از بررسی رابطه همبستگی بین عامل‌های شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی، نتایج متفاوتی به دست آمد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۳-۱. بررسی رابطه همبستگی عامل روان‌آزردگی و ابعاد تعارضات زناشویی

نتایج جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد که رابطه همبستگی بین ابعاد کاهش همکاری و رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی و جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان مشترک و در نهایت، متغیر تعارضات زناشویی با عامل روان‌آزرده‌خویی، رابطه معنادار آماری دارند؛ زیرا مقدار آلفا در این مورد کمتر از ۵ درصد خطاست و این رابطه همبستگی در همه رابطه‌های معنادار به صورت مثبت و ضعیف است؛ به عبارت بهتر، هر قدر زوجین در زندگی زناشویی خود بیشتر با یکدیگر همکاری داشته باشند، رابطه جنسی بهتری داشته باشند، واکنش‌های هیجانی خود را بیشتر کنترل کنند، در حد متعادل به دنبال جلب حمایت فرزندان باشند، کمتر سعی کنند فقط با خویشاوندان خود ارتباط داشته باشند و سعی کنند با خویشاوندان همسر هم رابطه خود را افزایش دهند و در کل تعارضات زناشویی خود را کاهش دهند، روان‌آزرده‌خویی کمتری خواهند داشت و در واقع، عواطف منفی، مانند ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت را در خود کمتر می‌بینند. البته مقدار همبستگی این روابط در حد ضعیفی است؛ اما ابعاد جدایی امور مالی و کاهش ارتباط مؤثر رابطه این دو بعد با عامل روان‌آزرده‌خویی معنادار نبوده؛ زیرا مقدار آلفا بیشتر از ۵ درصد خطا است.

جدول شماره ۱۳: بررسی رابطه همبستگی بین روان آزرده خوئی و ابعاد تعارضات زناشویی

ابعاد	روان آزرده خوئی	نتیجه
کاهش همکاری	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۹
	آلفا (P)	۰/۰۰۰
	فراوانی	۳۳۰
کاهش رابطه جنسی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۹۵
	آلفا (P)	۰/۰۰۱
	فراوانی	۳۰۸
افزایش واکنش هیجانی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۲۱
	آلفا (P)	۰/۰۰۰
	فراوانی	۳۲۰
افزایش جلب حمایت فرزند	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۱۳
	آلفا (P)	۰/۰۰۰
	فراوانی	۲۷۲
افزایش رابطه فردی با خویشاوند خود	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۷۷
	آلفا (P)	۰/۰۰۱
	فراوانی	۳۱۹
کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۷۳
	آلفا (P)	۰/۰۰۲
	فراوانی	۳۲۰
جدایی امور مالی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۰۱۱
	آلفا (P)	۰/۸۴۲
	فراوانی	۳۱۳
کاهش ارتباط مؤثر	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۰۱۲
	آلفا (P)	۰/۸۳۳
	فراوانی	۳۱۲
تعارضات زناشویی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۱۵
	آلفا (P)	۰/۰۰۰
	فراوانی	۳۴۴

۲-۳-۳. بررسی رابطه همبستگی عامل برون گرایی و ابعاد تعارضات زناشویی

بر اساس نتایج جدول شماره ۱۴، مقدار آلفا در همه ابعاد به جزء دو بُعد جدایی امور مالی و کاهش ارتباط مؤثر کمتر از ۵ درصد خطاست. به این معنا که بین کاهش همکاری و رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی و جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان مشترک و در نهایت، متغیر تعارضات زناشویی با

عامل برون‌گرایی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛ زیرا مقدار آلفا کمتر از ۵ درصد خطاست. از طرفی، وجود این رابطه همبستگی در حد ضعیف و منفی است.

جدول شماره ۱۴: بررسی رابطه همبستگی بین برون‌گرایی و ابعاد تعارضات زناشویی

نتیجه	برون‌گرایی	ابعاد
تأیید فرضیه	-۰/۲۸۱	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۳۴	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۴۷	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۳	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۸۲	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۹	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۷۱	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۲۷۱	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۴۲	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۲۲	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۳۶	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۲۳	فراوانی
رد فرضیه	-۰/۰۳۲	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۵۷	آلفا (P)
	۳۱۰	فراوانی
رد فرضیه	۰/۰۹۷	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۸۷	آلفا (P)
	۳۱۲	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۸۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۴۸	فراوانی

این امر درباره ابعاد جدایی امور مالی و کاهش ارتباط مؤثر صدق نمی‌کند؛ زیرا مقدار آلفا بیشتر از ۵ درصد است. در نتیجه، هر قدر زوجین همکاری و رابطه جنسی بیشتری داشته باشند و نیز

واکنش‌های هیجانی خود را بیشتر کنترل کنند، کمتر به دنبال جلب حمایت فرزند باشند، صرفاً با خویشاوندان خود رابطه نداشته باشند؛ بلکه روابط خود را در هر حالی با خویشاوندان همسر نیز حفظ کنند و در نهایت، تعارضات زناشویی خود را پایین بیاورند، برون‌گرایی بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ یعنی مردم را بیشتر دوست داشته، خندان‌تر، سرحال‌تر، سرزنده‌تر، پرنرژی‌تر، بانشاط‌تر، خوش‌بین‌تر و فعال‌تر خواهند بود.

۳-۳-۳. بررسی رابطه همبستگی عامل بعدگشودگی و ابعاد تعارضات زناشویی

مطابق با نتایج جدول شماره ۱۵، مقدار آلفا در ابعاد افزایش واکنش‌های هیجانی و جدایی امور مالی بیشتر از ۰/۰۵ خطاست. به این معنا که بین گشودگی و افزایش واکنش‌های هیجانی و نیز جدایی امور مالی رابطه معنادار آماری وجود ندارد؛ اما بین ابعاد کاهش همکاری و رابطه جنسی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر، کاهش ارتباط مؤثر و نیز تعارضات زناشویی با عامل گشودگی رابطه معنادار آماری وجود دارد؛ زیرا مقدار آلفا در این مورد کمتر از ۵ درصد خطاست. البته این روابط در حد ضعیف و منفی است، به جز رابطه کاهش ارتباط مؤثر با عامل گشودگی که بین آن‌ها یک رابطه معنادار ضعیف و مثبت (مستقیم) برقرار است. در نتیجه، هر قدر زوجین همکاری و رابطه جنسی بیشتری داشته باشند و نیز کمتر به دنبال جلب حمایت فرزند باشند، صرفاً با خویشاوندان خود رابطه نداشته باشند؛ بلکه روابط خود را در هر حالی با خویشاوندان همسر نیز حفظ کنند و در نهایت تعارضات زناشویی خود را پایین بیاورند، گشودگی بیشتری خواهند داشت؛ یعنی خیال‌پردازی اندک داشته، بیشتر تحت تأثیر هنر، طبیعت و شعر قرار می‌گیرند و بیشتر تمایل دارند غذاهای جدید را امتحان کنند و کنج‌کاو‌ترند. اما گشودگی با بُعد کاهش ارتباط مؤثر، یک رابطه ضعیف و مثبت دارد؛ به این معنا که هر قدر زوجین ارتباط مؤثر خود را بیشتر کنند، گشودگی بیشتری خواهند داشت.

جدول شماره ۱۵: بررسی رابطه همبستگی بین گشودگی و ابعاد تعارضات زناشویی

نتیجه	گشودگی	ابعاد
تأیید فرضیه	-۰/۱۲۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۲۵	آلفا (P)
	۳۳۲	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۹۹	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۱	فراوانی
رد فرضیه	-۰/۰۶۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۲۴۳	آلفا (P)
	۳۲۰	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۸۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۲	آلفا (P)
	۲۷۳	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۶۴	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۳	آلفا (P)
	۳۲۰	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۶۹	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۲	آلفا (P)
	۳۲۱	فراوانی
رد فرضیه	-۰/۰۵۴	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۳۴۲	آلفا (P)
	۳۱۴	فراوانی
تأیید فرضیه	۰/۱۴۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۱	آلفا (P)
	۳۱۳	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۷۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۱	آلفا (P)
	۳۴۶	فراوانی

۳-۳-۴. بررسی رابطه همبستگی عامل موافق بودن و ابعاد تعارضات زناشویی

بر اساس نتایج جدول شماره ۱۶، مقدار آلفای همه ابعاد و از جمله متغیر تعارضات زناشویی با عامل موافق بودن کمتر از ۵ درصد خطاست. به این معنا که بین ابعاد فوق با عامل موافق بودن یک رابطه معنادار آماری وجود دارد. در این رابطه همبستگی بین ابعاد کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، جدایی امور مالی، کاهش ارتباط مؤثر

و تعارضات زناشویی در حد ضعیف است؛ ولی رابطه همبستگی کاهش همکاری، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر تقریباً در حد متوسط است.

جدول شماره ۱۶: بررسی رابطه همبستگی بین موافق بودن و ابعاد تعارضات زناشویی

نتیجه	موافق بودن	ابعاد
تأیید فرضیه	-۰/۴۴۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۳۴	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۲۴	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۳	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۵۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۲۲	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۲۸	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۲۷۱	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۴۰۴	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۲۳	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۴۰۲	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۲۴	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۰۸	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۵	فراوانی
تأیید فرضیه	۰/۱۹	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۱	آلفا (P)
	۳۱۴	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۶۷	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۴۸	فراوانی

از طرفی، بین همه ابعاد و از جمله متغیر تعارضات زناشویی با عامل موافق بودن رابطه منفی و معکوسی برقرار است؛ ولی با کاهش ارتباط مؤثر یک رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین، به هر اندازه

که زوجین با هم بیشتر همکاری و رابطه جنسی داشته باشند، بیشتر واکنش‌های هیجانی خود را کنترل کنند، در حد تعادل به دنبال جلب حمایت فرزند خود باشند، رابطه خود را فقط با فامیل و آشنای خود حفظ نکنند؛ بلکه با خویشاوندان همسر نیز رابطه داشته باشند، امور مالی خود را کمتر از هم جدا کرده و در نهایت تعارضات و مشکلات زناشویی خود را کاهش دهند، موافق‌تر خواهند بود؛ یعنی افرادی مؤدب، سازگار، خوش‌بین، خودجوش و منطقی می‌شوند.

جدول شماره ۱۷: بررسی رابطه همبستگی بین با وجدان بودن و ابعاد تعارضات زناشویی

نتیجه	با وجدان بودن	ابعاد
تأیید فرضیه	-۰/۴۴۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۳۱	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۲۱۶	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۰۹	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۰۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۵	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۹۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۲	آلفا (P)
	۲۶۷	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۱۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۱۸	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۱۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۲۰	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۱۸۱	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۱	آلفا (P)
	۳۰۷	فراوانی
تأیید فرضیه	۰/۱۱۴	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۴۵	آلفا (P)
	۳۱۰	فراوانی
تأیید فرضیه	-۰/۳۱۳	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۰	آلفا (P)
	۳۴۵	فراوانی

۵-۳-۳. بررسی رابطه همبستگی عامل با وجدان بودن و ابعاد تعارضات زناشویی

مطابق با نتایج جدول شماره ۱۷، مقدار آلفای همه ابعاد و از جمله متغیر تعارضات زناشویی با عامل با وجدان بودن کمتر از ۵ درصد خطاست؛ یعنی تمامی ابعاد با عامل با وجدان بودن رابطه معنادار آماری دارند. از طرفی، رابطه همه ابعاد با عامل با وجدان بودن منفی (به جز بعد کاهش ارتباط مؤثر) و ضعیف (به استثنای بُعد کاهش همکاری که در حد متوسط است) است. به عبارت دقیق‌تر، هر قدر زوجین همکاری و رابطه جنسی بیشتری با هم داشته باشند، واکنش‌های هیجانی خود را بیشتر مهار کرده باشند، کمتر برای جلب حمایت فرزند یا فرزندان خود تلاش کنند، صرفاً با خویشاوندان خود رابطه نداشته باشند؛ بلکه با خویشاوندان همسر نیز ارتباط بگیرند، امور مالی را از همدیگر جدا نکنند و در نهایت تعارضات کمتری داشته باشند، زوجین با وجدان‌تر، تمیزتر و مرتب‌تر، وقت‌شناس‌تر، مسئول‌تر، باهدف، تلاش‌گر، متعهد، قابل اعتماد و منطقی‌تری خواهند شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر درباره تفاوت عوامل شخصیتی در سه گروه سازگار، ناسازگار و در حال طلاق نشان داد که میزان تعارضات در سه گروه با یکدیگر متفاوت است و در گروه در حال طلاق و سپس گروه ناسازگار و در آخر گروه سازگار تعارضات از بالا به پایین درجه بندی می‌شود.

نتایج درباره عوامل شخصیتی بیانگر این است که آزرده‌خویی، گشودگی و موافق بودن در بین زوجین سازگار، ناسازگار و در حال طلاق با هم تفاوت دارد؛ ولی میزان برون‌گرایی و با وجدان بودن در سه دسته مذکور با یکدیگر فرقی نمی‌کند.

یافته‌ها درباره رابطه همبستگی بین عوامل شخصیتی و تعارضات زناشویی نشانگر آن است که بین ابعاد کاهش همکاری و رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی و جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان مشترک و در نهایت متغیر تعارضات زناشویی با عامل روان آزرده‌خویی رابطه معنادار آماری برقرار است. البته این رابطه همبستگی در همه موارد معنادار به صورت مثبت و ضعیف است؛ اما در مورد ابعاد جدایی امور مالی و کاهش ارتباط مؤثر، رابطه این دو بعد با عامل روان آزرده‌خویی معنادار نیست. بنابراین، برخی از نتایج این بعد از پژوهش در تحقیقات دیگری که در زمینه ارتباط روان

آزرده‌خویی با رضایت زناشویی انجام گرفته است، مشابهت دارد؛ زیرا در تحقیق مشابه روان رنجورخویی با رضایت زناشویی از رابطه منفی برخوردار بوده است (احدی و اسکندری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). در ادامه نیز نتایج نشان داد که بین دو بُعد جدایی امور مالی و کاهش ارتباط مؤثر با عامل برون‌گرایی رابطه معنادار آماری وجود ندارد. در مقابل بین دیگر ابعاد تعارضات زناشویی با عامل برون‌گرایی رابطه معنادار هر چند در حد ضعیف آماری وجود دارد.

همچنین یافته‌های بررسی بین عامل گشودگی و ابعاد تعارضات زناشویی نیز نشانگر آن است که بین افزایش واکنش‌های هیجانی و جدایی امور مالی، رابطه معنادار آماری وجود ندارد؛ ولی بین دیگر ابعاد تعارضات زناشویی با عامل گشودگی رابطه وجود دارد. البته این روابط در حد ضعیف و منفی است، به جز در رابطه کاهش ارتباط مؤثر با عامل گشودگی که بین آن‌ها یک رابطه معنادار ضعیف و مثبت (مستقیم) برقرار است. نتایج تحقیقات دیگری نیز که در زمینه عوامل شخصیتی و رضایت زناشویی انجام شده است، نشان‌دهنده ارتباط رضایت زناشویی با عواملی مانند برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و توافق و گشودگی است. از این رو، بخشی از نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات دیگر هم‌خوانی داشته و قسمی از آن متفاوت است (هاشمی و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶؛ عارفی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۵۵۱).

بین ابعاد زناشویی با عامل موافق بودن نیز یک رابطه معنادار آماری وجود دارد. در این رابطه همبستگی بین ابعاد کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، جدایی امور مالی، کاهش ارتباط مؤثر و تعارضات زناشویی در حد ضعیف است؛ ولی رابطه همبستگی کاهش همکاری، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر تقریباً در حد متوسط است. از طرفی، بین همه ابعاد و از جمله متغیر تعارضات زناشویی با عامل موافق بودن رابطه منفی و معکوسی برقرار است؛ ولی با کاهش ارتباط مؤثر یک رابطه مثبت وجود دارد. در پژوهش دیگر، در دو بعد توافقی و با وجدان بودن هر چند نقش مثبت بر رابطه زناشویی وجود داشته است، البته در این پژوهش ابعاد اثر مشاهده شده به لحاظ آماری معنادار نبوده است؛ اما سه بعد دیگر بر رضایت زناشویی اثرگذار بوده است (جهرمی جنتی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳). از این رو، بخشی از نتایج این تحقیق با برخی از نتایج تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد. یافته‌ها در بعد با وجدان بودن نیز نشان می‌دهد که همه ابعاد با عامل با وجدان بودن رابطه منفی (به جز بعد کاهش ارتباط مؤثر) و ضعیف (به استثنای بُعد کاهش همکاری که در حد متوسط

است) دارد؛ اما در بعدهای کاهش ارتباط مؤثر و کاهش همکاری این رابطه معنادار است؛ یعنی هر مقدار رابطه مؤثر و همکاری بیشتر باشد، افراد از وجدان بیشتری برخوردار بوده تعارضات کمتری دارند. از این رو، نتایج این قسمت نیز با بخشی از نتایج تحقیق جهرمی جنتی و دیگران، هم خوانی دارد (جهرمی جنتی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳)

البته قابل بیان است که پژوهش حاضر فقط از لحاظ بررسی رابطه همبستگی عوامل شخصیتی و تعارضات زناشویی انجام گرفته است؛ اما در ابعاد وسیع تر، بر روی هر کدام از عوامل شخصیتی و ابعاد تعارضات زناشویی می توان در تحقیقات دیگری به صورت تفصیلی تحلیل هایی را ارائه کرد. در نهایت، پیشنهاد می شود مشاوران و متصدیان امور خانواده نسبت به نتایج این تحقیق و پژوهش های همسو بیش از پیش توجه نموده و با نظر به نتایج این نوع پیمایش ها به طور عام و با در نظر گرفتن شخصیت افراد به طور خاص، راهکارهای مناسب تری را نسبت به مسائل زوجین متعارض در مشاوره ها برگزینند.

فهرست منابع

۱. آتش افروز و دیگران (۱۳۸۷)، «ارتباط بین پنج رگه شخصیتی و پیشرفت تحصیلی»، *روان شناسی ایرانی* دوره ۴، شماره ۱۶.
۲. احدی، بتول و حسین اسکندری (۱۳۸۵)، «شخصیت و رضایت زناشویی»، *روان شناسی تربیتی*، شماره ۶.
۳. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۳)، *خانواده در اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بشیری، ابوالقاسم و مجتبی حیدری (۱۳۹۶)، *روان شناسی شخصیت*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵. پروین، لارنس و جان، الیور (۱۳۸۱)، *شخصیت نظریه و پژوهش*، ترجمه محمد جعفر جواد و پروین کدیور، تهران: آبیژ.
۶. ثنائی، باقر و دیگران (۱۳۸۷)، *مقیاس های سنجش خانواده*، تهران: بعثت.
۷. جس فیست و گریگوری جی، فیست (۱۳۹۵)، *نظریه های شخصیت*، ترجمه سید یحیی محمدی، چاپ چهاردهم، تهران: روان.
۸. جهرمی جنتی، مهرداد و دیگران (۱۳۸۹)، «بررسی و مقایسه رابطه میان ویژگی های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی در زنان شهر کازرون»، *زن و جامعه*، سال اول، شماره ۲.
۹. حق شناس، حسن (۱۳۹۳)، *روان شناسی شخصیت*، چاپ سوم، شیراز: دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
۱۰. دارابی، جعفر (۱۳۸۸)، *نظریه های روان شناسی شخصیت*، ویراست دوم، تهران: آبیژ.
۱۱. رازقی، نرگس و دیگران (۱۳۹۰)، «رابطه پنج عامل شخصیت با رضایت زناشویی»، *روان شناسی تحولی*، شماره ۲۷.
۱۲. رایکن، ریچارد ام (۱۳۸۷)، *نظریه های شخصیت*، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران: ارسباران.
۱۳. ساعتچی، محمود (۱۳۷۷)، *نظریه پردازان و نظریه ها در روان شناسی*، تهران: سخن.
۱۴. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، *زوج درمانی با روی آورد اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. شاملو، سعید (۱۳۸۲)، *مکتب و نظریه ها در روان شناسی شخصیت*، چاپ هفتم، تهران: رشد.
۱۶. شاهنده، مریم (۱۳۸۷)، *ارزیابی شخصیت*، اهواز: رسش.
۱۷. شولتز، دوان و سیدنی آلن، شولتز (۱۳۷۷)، *نظریه های شخصیت*، ترجمه سید یحیی محمدی، تهران: هما.
۱۸. عارفی، مختار و دیگران (۱۳۹۳)، «همسانی شخصیتی، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی»، *مشاوره و روان درمانی خانواده*، شماره ۱۴.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۷۱)، *لغت نامه عمید*، ج ۱۰، چاپ سوم.
۲۰. فتحی آشتیانی، علی و با همکاری محبوبه داستانی (۱۳۹۵)، *آزمون های روان شناختی*، چاپ سیزدهم، تهران: بعثت.
۲۱. لانیون، ریچارد و لئونارد دیوید، گوداشتاين (۱۳۸۵)، *ارزیابی شخصیت*، ترجمه سیامک نقش بندی و دیگران، تهران: روان.
۲۲. مای لی، ریچارد و پ. ربرتو (۱۳۸۸)، *ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت*، ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران (سمت).

۲۳. محمدزاده ابراهیمی، علی و دیگران (۱۳۸۶)، «رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد اصلی شخصیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی»، روان‌شناسی تربیتی، شماره ۱۰.
۲۴. نبوی حصار، جمیله و خدابخش احمدی (۱۳۹۱)، «اثر بخشی رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر حضور ذهن بر سرد مزاجی زنان در آستانه طلاق»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال دوم، شماره ۳.
۲۵. هاشمی، اعظم و اصغر جعفری (۱۳۹۴)، «نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی»، علوم رفتاری (ابهرا)، شماره ۲۵.

